

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سحر صبا
۳۰ اپریل ۲۰۱۹

اول ماه می و جنبش واسکت های زرد



اختلاف طبقاتی در فرانسه مانند هر کشور سرمایه داری دیگر در جهان به خصوص تحت سیاستهای نئولیبرالی سبب شده ثروت پانصد تن از پولدارترین افراد فرانسوی با آغاز بحران مالی ۲۰۰۸ بدین طرف، سه برابر شود. امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه در طول مدت ریاست جمهوری اش، سعی نموده یکی از اجراء کنندگان پر و پا قرص سیاستهای نئولیبرالی باشد. او با سر کار آمدنش تلاش نمود تمامی ساختارهای اقتصادی فرانسه را تغییر دهد. اولین کاری که انجام داد ثروتمندان را از پرداختن مالیات معاف نمود. با تغییر قانون کار به نفع کارفرمایان و به ضرر کارگران و بستن عوارض به دوش اقشار کم درآمد جامعه فشار اقتصادی مضاعفی را به کارگران و زحمتکشان تحمیل نمود. به دنبال آن کمک هزینه مسکن و دیگر خدمات اجتماعی را کاهش داد. با حمایت از طرح خصوصی سازیها و تصویب قوانین جدید دست کارفرمایان را در اخراج کارگران باز گذاشت، در این راستا هزاران کارگر و کارمند دولت بیکار شدند. مدت زمان بیمه بیکاری را تقلیل داد. در عوض قانون مالیات بر ثروت های کلان را ملغی کرد و میلیاردها دالر نیز به شرکت های بزرگ کمک نقدی نمود، کار ایجاد کنند. کارگران و اقشار زحمتکش جامعه با تورم و بیکاری در بخشهای گسترده ای روبه رو شدند، افراد مزد بگیر هم با عدم افزایش دستمزد مواجه شدند.

در طول حکومت مکرون به علت سیاستهای بینهایت راست و ضد کارگری اش بارها با اعتراضات مردم زحمتکش روبه رو شد، اما خیلی راحت و با بی اعتنائی از کنار آن می گذشت.

افزایش ناگهانی بهای دیزل توسط مکرون موج وسیعی از نارضایتی را بین اقشار زحمتکش فرانسه ایجاد نمود. تورم و گرانی که توده های مردم با آن روبه رو شدند، تأثیر مستقیم روی مایحتاج زندگی به خصوص مسکن گذاشت، و سبب

شد تعداد زیادی به مناطق حاشیه نشین نقل مکان کنند که بتوانند هزینه مسکن را متحمل شوند. این درصد از مردم ناچار برای ادامه کار و فعالیت روزانه خود باید به مراکز شهرها رفت و آمد کنند. بنابراین، استفاده از اتومبیل های دیزلی به صرفه بود. در ضمن در شهرها و روستاهای دور افتاده، به علت مختل شدن راه های آهن بین شهری، تنها وسیله نقلیه به صرفه همان اتومبیل های دیزلی است، برخی از شهروندان هم از دیزل برای گرم نمودن منازل خود استفاده می نمایند. این افزایش قیمت ناگهانی دیزل، اقشار کم درآمد را با مشکلات معیشتی مواجه نمود، که منجر به اعتراض مردم زحمتکش شد.

ماجرای جنبش واسکت های زرد از اینجا شروع شد، در اول ماه می زن راننده جوانی در یکی از حومه های پاریس برای کاهش قیمت سوخت در پمپ های بنزین فرانسه کمپین و طوماری روی اینترنت منتشر کرد و از مردم خواست آن را امضاء کنند. بعد از مدتی شمار زیادی این درخواست را پذیرفته و آن را امضاء نمودند.

از طریق شبکه های اجتماعی اینترنتی کمپینی حول این مسأله در گرفت، که با استقبال بی سابقه ای روبه رو شد، به طوری که حکومت به وحشت افتاد. این حرکت طولی نکشید به جنبشی تبدیل شد. دولت ابتداء تلاش نمود که بالا رفتن قیمت دیزل را به آلودگی هوا ربط دهد و با توجیه کردن اصل ماجرا از آن شانه خالی کند. اما مردم به بحران و عواقبی که دامنگیر آنها شده، کاملاً آگاه بوده و هستند. آنها به ادعاهای پوچ و توخالی مکرون نه تنها باور نکردند، بلکه به این هم واقفند، حل بحران سرمایه داری جهانی، قرار است از جیب خالی کارگران و زحمتکشان پرداخته شود. سوق دادن کارگران و زحمتکشان به سوی فقر مطلق و متمرکز نمودن ثروت در اختیار تعداد اقلیتی از صاحبان ثروت های نجومی که مالکیت و وسایل تولید را در اختیار دارند سیاست عادی همه دولت های سرمایه داری است، مکرون هم به عنوان دست راستی ترین حکومت و مجری سیاست های نئولیبرالی نمی تواند از این سیاست استثناء باشد.

این حرکت، با شرکت صدها هزار از مردم کم درآمد، اعم از بیکاران، خرده بورژوازی، کارمندان کم درآمد و معلمان و توده گسترده مردم تهیدست شهرهای کوچک و روستاها و همچنین، حاشیه نشینان و بخش هایی از کشاورزان به خیابانها شروع شد. نیروهای ویژه سرکوب در مقابل مردم خشمگین صف کشیدند و منجر به زدو خورد شد و هر بار با شدت بیشتر ادامه داشت.

جنبش واسکت های زرد اقشار مختلف مردم کم درآمد را در بر می گیرد که در اثر سیاست های نئولیبرالی امانوئل مکرون، به ستوه آمده اند. اعتراضات و تجمعات واسکت های زرد تا کنون در مدت این یک سال به طور مرتب در اشکال مختلف ادامه داشته است، در بسیاری موارد با زدو خورد با پولیس انجامیده که در این رابطه تعداد زیادی از نیروهای دو طرف مجروح و کشته و تعداد بسیاری هم دستگیر شده اند. دولت و نیروهای سرکوبگر در ابتداء می خواستند این حرکت را بی اهمیت جلوه دهند، با اتهام و توهین به معترضان که انسانهای بی ارزش، جمعی پراز نفرت، شبه فاشیست و ضد خارجی هستند، علیه امنیت ملی به پا خاسته اند، در صدد بودند که این خیزش را بی اهمیت جلوه دهند. اما گردهمائی واسکت های زرد هر بار با استقبال جمعیت بیشتری روبه رو شده است، " آنها تأکید نمودند که علیه خشونت ناعادلانه و غیرقابل تحمل به پا خاسته اند و دیگر حاضر به تحمل این وضعیت اسفبار نیستند! آنها یک صدا فریاد زدند که مخالف مخارج سنگین زندگی روزمره، ناامنی اجتماعی و فلاکت هستند و با تعرض به سیاست های نئولیبرالی اعلام نمودند دارائی ۲۶ نفر میلیاردی به اندازه دارائی نیمی از بشریت است، این قابل قبول نیست، به این نابرابری باید پایان داد. مردم خواستار تغییراتی جدی در همه زمینه ها و به خصوص سیاست های اقتصادی هستند. آنها خواهان معلق کردن افزایش قیمت های گاز، برق، بنزین و مازوت، بالابردن افزایش فوری دستمزدها، کمک به بیکاران، افزایش استانداردهای اجتماعی، کمک های اجتماعی و بازنشستگی، حق بدون چون و چرا برای داشتن مسکن، تأمین

خدمات پزشکی و آموزشی به طور رایگان اند. از میان برداشتن فلاکت در تمامی اشکال آن، به علاوه، استعفای مکرون، منحل نمودن مجلس و برگزاری انتخابات با مشارکت مستقیم نمایندگان جنبش واسکت های زرد، برقراری دموکراسی مستقیم و پاسخ گو بودن واقعی منتخبان می باشند.

واسکت های زرد با قاطعیت اعلام نموده اند که خشونت، سرکوب، دستگیری و کشتار، هیچ کدام اینها مانع حرکت آنها نخواهد شد! حق اعتراض کردن یک حق اساسی است و خواستار آزادی دستگرددگان شده اند!

و آنها خواست دولت را در مورد مباحثه ملی مژورانه و یک اقدام حکومتی در ممانعت از بحث و تصمیم گیری شمرند. آنها تأکید نموده اند دموکراسی واقعی را در اجتماعاتشان، بر سر چهار راه ها تحقق خواهند بخشید، با دهن کجی به سیاستهای دولت اظهار کردند، دموکراسی در شوهای تلویزیونی و سر میزهای گرد که مکرون به ظاهر بر پا می کند، روی نمی دهد و رسماً اعلام نمودند ما افتخار می کنیم که با تفاوت هایمان گرد هم آمده ایم تا یک جامعه استوار بر همبستگی بر پا کنیم. "

شنبه گذشته ۳۱ فروردین [حمل]، بیست و سومین تظاهرات هزاران تن از واسکت های زرد بار دیگر در پاریس به وقوع پیوست. تظاهرکنندگان در حالی که همچون هفته های گذشته از راهپیمایی در خیابان شانزه لیزه منع شده بودند، از تجمع در اطراف کلیسای آسیب دیده نوتردام هم منع شدند.

بخشی از اعتراض اخیر واسکت های زرد فرانسوی به استفاده میلیاردرها و شرکت های ثروتمند از موقعیت آتش سوزی در کلیسای نوتردام بود. سرمایه دارهای میلیاردر فرانسوی با استفاده از آتش سوزی کلیسای نوتردام با پیشنهاد اهدای مبالغ کلانی برای بازسازی کلیسا در واقع خود را از پرداخت مالیات معاف نمودند. دولت مکرون هم حداکثر استفاده تبلیغاتی را از این موضوع نمود، او ضمن این که نشان داد از این حادثه متأثر است، اما این اطمینان خاطر را داد که با مبالغ اهدائی همپالیکی های سرمایه دارش کلیسا را ترمیم خواهد نمود. به همین دلیل، از فردای آتش سوزی نوتردام موجی از تظاهرات ضد دولتی علیه افزایش معافیت مالیاتی برای سرمایه داران میلیاردر صورت گرفت. معترضان می گویند: "در حالی که خواسته اصلی آنها کاهش مالیات و افزایش قدرت خرید برای اقشار کم درآمد و متوسط است، دولت باز هم پولدارترین افراد جامعه را حمایت می کند."

برای مکرون بنای تاریخی کلیسای نوتردام، و یکی از مراکز توریستی که هر سال چهار میلیون بازدید کننده دارد، از نظر سیاسی اهمیت بیشتری دارد، تا پاسخگوی خواسته های هزاران نفر اقشار کم درآمد که از سیاستهای نولیبرالی او تحت فشارند. او با اشک تمساح ریختن از آتش سوزی کلیسای نوتردام براحتی توانست حمایت های میلیاردری- میلیاردرهای فرانسوی و دیگر نقاط دنیا را جلب کند. اما برای جنبش واسکت های زرد که بیست و سومین تظاهرات اعتراضات خود را برگزار نموده اند و در جریان این اعتراض ها تاکنون ۱۱ نفر کشته و دست کم ۲ هزار تظاهر کننده و یک هزار نیروی پولیس زخمی و ۹ هزار نفر بازداشت شده اند، حاضر به کمترین ترتیب اثری نیست. پاسخ مکرون تا کنون به این جنبش چند هزار نفری، بسیج نمودن نیروی ۶۰ هزار نفری پولیس ضد شورش برای سرکوب و مقابله با این تظاهرات بوده است.

گرچه جنبش واسکت های زرد تا کنون توانسته از استقبال ۷۳ درصد فرانسوی ها برخوردار شود و ۸۵ درصد حامیان واسکت های زرد از قشرهایی هستند که فرانسوی ها از آنها به عنوان قشر "مردمی" یاد می کنند؛ یعنی طبقه متوسط رو به پایین، ۸۲ درصد فرانسویها از توقف برنامه دولت مکرون برای افزایش مالیات بر سوخت حمایت می کردند و همچنین ۶۶ درصد نیز خواستار ادامه اعتراضات واسکت های زرد بودند. این جنبش تا کنون دست آوردهائی داشته اما با ضعفهایی هم روبه رو است، که با وجود این که از پتانسیل قوی برخوردار است و توانسته حول این خواستهها توده

های بیشتری از مردم را بسیج نماید، اما فاقد تشکل و سازمانیابی است. این حرکت از طیفهای مختلفی تشکیل شده است، گرچه اکثریت آنها از افشار کم درآمد جامعه هستند و خواسته های مشترکی دارند، اما سازمان و تشکل شورائی ندارند که بتوانند از طریق شور و مشورت با برگزیدن نمایندگان خود دولت را به پای میز مذاکره کشانده و در تحمیل خواسته هایشان حکومت مکرون را به مصاف بطلبند. در درون جنبش بحثهایی بر سر ایجاد مجلس شهروندان چیزی معادل کنگره شوراها صورت گرفته است، اما تا کنون تحقق نیافته است.

فرانسه همیشه کانون انقلاب و خیزشهای تاریخی بوده است. جنبش "واسکت های زرد" جنبشی ضد سرمایه داری و نئولیبرالیسم است و بر بستر بحران جهانی سرمایه داری که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد شکل گرفته است. این جنبش، صدای فریاد اعتراض کارگران و زحمتکشان در اکثر کشورهای اروپائی و تمام جهان است. این خیزش پرچمدار، آشکار نمودن ماهیت بحران سرمایه داری در جهان می باشد. خیزشهای طبقاتی در فرانسه در برهه های تاریخی از ۱۸۴۸، کمون پاریس ۱۸۷۱، جنبش کارگری و شورائی سالهای ۱۹۱۹، خیزش ۱۹۶۸ و شبهای بیداری در سالهای ۲۰۱۷ و ۱۸ و اینک شورش واسکت های زرد، فرانسه به مثابه یک سنت، پیشتاز اعتراضات و مبارزه طبقاتی علیه نظام سرمایه داری بوده است.

قهرمانیهای کموناردهای پاریس در ذهن طبقه کارگر فرانسه و جهانی زنده و جاودانه است. در فرانسه برای اولین بار در تاریخ بشر، کارگران و زحمتکشان دست به تغییر و تحول اجتماعی برای رهائی خویش از اسارت و بندگی سرمایه زدند. برای اولین بار جهان با طبقه کارگر متحد و آگاه به منافع طبقاتی خود روبه رو شد که برای رهائی خود و جامعه به پا خاسته بود. نخستین حکومت کارگری با برقراری خود، بورژوازی را به مصاف طلبید. هر چند از نظر توازن قوای طبقاتی جنگی نابرابر بود و امکان شکست زیاد، ولی کارگران قهرمان پاریس بدون هیچ توهمی به بورژوازی و هراسی به دل با اراده ای محکم به جنگ طبقاتی خود با نیرو های سرکوبگر ادامه دادند. و برای ایجاد جامعه ای با مناسبات و روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نو دست به اقدامی دلیرانه و قهرمانانه زدند.

جنبش واسکت های زرد که اکنون خواب از چشم بورژوازی و حاکمیتش ربوده، علاوه بر ماهیت ضد سرمایه داری و طبقاتی بودنش، از این که به تغییر و تحول بنیادی بینجامد و ادامه دهنده راه قهرمانیهای کموناردهای پاریس باشد وحشت در دل استنمارگران حکومت حاکم انداخته، به همین دلیل است که با تمام قواء از طریق پولیس و ارگانهای سرکوبگر می خواهند این جنبش را سرکوب و نفی کنند. از نکات قوت این جنبش تا کنون این بوده است که از سوی ساکنان مناطق غیر شهری و کشاورزی فرانسه آغاز شد، اکنون با مردم مناطق شهری و کارگری پیوند خورده است و توده های زحمتکش در یک منافع مشترک طبقاتی و همسو قرار گرفته اند. بورژوازی اخیراً از ادامه این حرکت واسکت های زرد وحشت داشته و به آنها اخطار داده است، اگر تظاهر کنندگان چهره خود را در تظاهرات ببوشانند یک سال زندان و ۱۵ هزار یورو جریمه به دنبال خواهد داشت، هر چند سرکوبگران سرمایه بخوبی آگاهند این تهدیدها تأثیری در اراده هزاران انسان زحمتکشی که سیاستهای استنمارگرانه نئولیبرالی زندگی و معیشت آنها را به خطر انداخته نخواهد داشت، اما از سر استیصال و درماندگی به خشونت و تهدید ادامه می دهد.

این جنبش اگر سازماندهی بشود و ادامه یابد براحتی به صورت قدرتی در مقابل قدرت حاکمه عرض اندام خواهد نمود و قادر خواهد بود به ساختارهای اقتصادی حکومت تعرض نماید، کنترل کارخانه ها و محلات را از طریق شوراهای کارگری و مردمی در دست گیرند. از سوی دیگر، سازمانیابی این جنبش و ادامه آن به جنبش کارگری جهانی راه نشان خواهد داد! جنبشی با این پتانسیل و جهتگیری انقلابی می تواند در سطح جهان پا بگیرد. هر چند از زمان شکلگیری این جنبش ما شاهد بوده ایم که تأثیرات آن در برخی از کشورهای اروپائی در اعتراض به سیاستهای نئولیبرالی با همین

مضمون و عنوان واسکت های زرد خود را نشان داده است، و بخشی از زحمتکشان این کشورها در حمایت و همبستگی از جنبش واسکت های زردی فرانسه به اعتراض به سیاستهای نئولیبرالی کشور خود برخاسته اند، اما گسترده شدن این حرکت در گرو هر چه متشکل شدن جنبش واسکت های زرد و سوسیالیستهای جنبش کارگری فرانسه در امر تشکل یابی این جنبش است.

ما شاهد هستیم جنبش کارگری جهانی، از عدم حضور طبقه کارگر فعال و مبارز در صحنه و حضور اجتماعی سوسیالیسم تضعیف شده رنج می برد، و از سوی دیگر زد و بند رهبران اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری با بورژوازی به عنوان نیروئی باز دارنده مانع حرکت کارگران می شوند، این ضعفها سبب شده صف همبستگی جنبش طبقه کارگر جهانی به ضد سرمایه داری تضعیف شود. اما نظام سرمایه داری که در سراسر دنیا به بحرانی عمیق فرو رفته است، و بار این بحران را قرار است توده های کارگر و زحمتکش به دوش بکشند، طبقه کارگر جهانی را با فقر و فلاکت روزافزونی مواجه ساخته است. از طرف دیگر از نظر تاریخی سرمایه داری در دوران گنبدگی و اضمحلال به سر می برد، و دورانی است که طبقه کارگر برای رهائی از این وضعیت فلاکت بار راهی جز مبارزه و انقلاب ندارد. همانطور که واسکت های زرد شعار می دهند و معتقدند که باید خود سرنوشت خود را در دست گیرند، اول ماه می امسال شرکت وسیع واسکت های زرد، همراه و همگام با طبقه کارگر فرانسه و جهانی، با زنده نمودن کمون پاریس و سنتهای سوسیالیستی آن می تواند گام وسیعی در سازمان دادن این جنبش به رهبری طبقه کارگر بردارد.

اپریل ۲۰۱۹